

سطح افشا و عوامل تعیین کننده آن در بانکها با تأکید بر سازوکارهای راهبری شرکتی و محوریت اسلامی

غلامرضا کرمی^۱، فریده صدیقی خویدک^۲

چکیده: هدف این پژوهش ارزیابی سطح افشای اطلاعات موجود در بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. همچنین، این مطالعه به بررسی برخی عوامل مؤثر بر سطح افشای بانکها با تأکید بر سازوکارهای راهبری شرکتی پرداخته است. با توجه به اینکه در اقتصاد یک کشور، بخش بانکداری در موفقیت آن و ایجاد اقتصاد برتر نقش مهمی بازی می کند و راهبری شرکتی بانکها در این زمینه بسیار تأثیرگذار است، این پژوهش بانکها را در مرکز توجه خود قرار داده است. با استفاده از رویکرد تحلیل میانگین افشا، از چک لیست افشا جهت اندازه گیری سطح افشای اطلاعات بانکها استفاده شده است. متغیرهای راهبری شرکتی آزمون شده در این مطالعه شامل اندازه هیئت مدیره، غیرموظف بودن هیئت مدیره و درصد سهامداران نهادی است. از اطلاعات بیست بانک در سالهای ۱۳۹۰-۱۳۹۲ استفاده شده است. نتایج آزمون لیمر (چاو) نشان داد که الگوی مناسب برای برآورد مدل مورد بررسی در طبقه Pool قرار دارد. نتایج پژوهش نشان می دهد که سطح افشای بهتر در بخش بانکداری از طریق داشتن درصد سهامداران نهادی بیشتر کسب می شود. همچنین، بین غیرموظف بودن هیئت مدیره و سطح افشای بانکها رابطه معناداری وجود داشت. این در حالی است که بین اندازه هیئت مدیره با سطح افشا رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه های کلیدی: افشای اسلامی، بانکداری اسلامی، راهبری شرکتی، سازوکارهای راهبری شرکتی، سطح افشا.

۱. دانشیار گروه تحصیلی حسابداری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۰۹

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۲۳

نویسنده مسئول مقاله: فریده صدیقی خویدک

E-mail: faride_sedighi@yahoo.com

مقدمه

در کشورهای آسیایی، در اواخر دهه ۱۹۹۰، یعنی پس از بحران سال ۱۹۹۷-۱۹۹۸ موضوع راهبری شرکتی به موضوعی جذاب برای محققان تبدیل شد. بر اساس نظریه نمایندگی، سیستم راهبری شرکتی خوب مستلزم افشای اطلاعات شفاف‌تر، به‌ویژه در گزارش‌های سالانه شرکت‌هاست که منبع اصلی اطلاعات ارائه‌شده به سرمایه‌گذاران محسوب می‌شود. علاوه بر این، راهبری شرکتی بانک‌ها در اطمینان‌دادن به اینکه بخش مالی در جهت اقتصاد پایدار و مؤثر حرکت می‌کند، نقش مهمی دارد (کمیتۀ بازل، ۲۰۰۵). با توجه به اینکه بین مدیران شرکت‌ها و سهامداران عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد، هر روشی که برای حذف این عدم تقارن اطلاعاتی اتخاذ شود سودمند است و به کاهش ریسک تجاری شرکت می‌انجامد. برای حصول اطمینان از ایفای مسئولیت پاسخگویی بنگاه‌های اقتصادی در مقابل عموم افراد ذی‌نفع، باید نظارت و مراقبت کافی به عمل آید. اعمال نظارت و مراقبت در این زمینه مستلزم وجود سازوکارهای مناسبی است، از جمله طراحی و اجرای نظام راهبری شرکتی مناسب در بنگاه‌های اقتصادی.

با توجه به تفاوت قابل ملاحظه صنعت بانکداری با سایر صنایع در بسیاری جنبه‌ها، اهمیت راهبری شرکتی در بانک‌ها، حساس‌تر از سایر صنایع و بخش‌هاست و به دلیل اهمیت بانک‌ها در اقتصاد از یکسو و آسیب‌پذیربودنشان از سوی دیگر، بانک‌ها را نسبت به سایر شرکت‌ها تحت مقررات و نظارت‌های شدیدتری قرار داده است. از دیدگاه اسلامی، چارچوب راهبری شرکتی در بانک‌های اسلامی باید از مجموعه متفاوتی از اصول مبتنی بر قرآن و سنت پیروی کند. هدف اساسی مؤسسات مالی اسلامی از جمله بانک‌ها، رعایت اصول شریعت است شامل عدالت اجتماعی و پاسخگویی است (فروک و لانیس، ۲۰۱۱). مطابق با دیدگاه الخاداش (۲۰۰۱) (نقل از فروک و لانیس، ۲۰۱۱)، بانک‌های اسلامی عوامل مؤثری در صنعت بانکداری و خواستار تحقق کامل مفهوم پاسخگویی و اخلاق در اسلام است. در نتیجه وظیفه آن‌ها در افشاییه‌ها و به طور کلی ماهیت افشا باید بیشتر در نظر گرفته شود. این ایده بر اساس رهنمودهای اخلاقی در اصول شریعت است که به طور برجسته عدالت را وسیله‌ای برای جلوگیری از عدم تقارن اطلاعاتی در نظر می‌گیرد (مجید و اسماعیل، ۲۰۰۸). در اسلام به شفافیت و افشای کافی به‌خصوص با توجه به هویت اخلاقی مؤسسات اسلامی تأکید فراوان شده است. با توجه به نقش و اهمیت نظام راهبری شرکتی، همچنین اهمیت افشا در بانک‌ها، این پژوهش سعی دارد که به ارزیابی سطح افشای بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، همچنین بررسی رابطه برخی مشخصات راهبری شرکتی با آن بپردازد.

پیشینه نظری پژوهش

نظریه نمایندگی

مسئله نمایندگی که در نتیجه جدایی مالکیت از مدیریت به وجود می‌آید، یکی از جنبه‌های مهم در متون نظری نمایندگی است. مسئله نمایندگی به علت روابط قراردادی بین عوامل ایجاد می‌شود. در این زمینه از نماینده انتظار می‌رود تا به تعهدات خود در جهت حداکثر کردن منافع مالکان عمل کند. با این حال تضاد منافع بین آن‌ها باعث می‌شود که نماینده‌ها در جهت حداکثر کردن مطلوبیت خود حتی به هزینه مالکان روی آورند. در نتیجه، سازوکارهای نظارتی مناسب بر رفتارهای فرصت‌طلبانه نماینده‌ها و تعیین انگیزه‌های آن‌ها در زمینه سطح افشای اطلاعات ضروری است. مطابق با نظریه نمایندگی، افشای گزارش‌های سالانه مؤسسات در جهت کاهش مسئله نمایندگی (تضاد منافع) بین مدیران و مالکان نقش مهم نظارتی دارد و مدیریت ارشد را در اجرای وظایف پاسخگو می‌سازد (کمیته بازل، ۲۰۰۵). جاگ، نائومو و کوتزول (۲۰۰۳) کاربرد سیستم راهبری شرکتی خوب را در حداقل کردن هزینه نمایندگی مطرح کردند، زیرا همسو کردن منافع بین مالکان و مدیران را ارتقا می‌دهد. همچنین، شرت، کیزی و رایت (۱۹۹۸) خاطر نشان کردند که هدف اصلی راهبری شرکتی، نظارت مدیریت به منظور اطمینان از این موضوع است که تصمیم‌های مدیریت در جهت منافع سهامداران است. در نتیجه، در این تحقیق سازوکارهای راهبری شرکتی از منظر نظریه نمایندگی تشریح می‌شود.

اندازه هیئت مدیره و افشا

سعید و همکاران (۲۰۰۹) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که ارتباط غیرمؤثر و ناکارآمد با هیئت مدیره در تصمیم‌گیری منجر به سطح پایین افشا در گزارش‌های مالی می‌شود، زیرا هیئت مدیره قادر نیست به نحوی مؤثر نقش خود را ایفا کند و این ارتباط غیرمؤثر ناشی از وجود هیئت مدیره‌های بزرگ است (عبدلرحمان و سعیمی، ۲۰۱۳). بایارد، لی و وینتروپ (۲۰۰۶) در بررسی‌های خود متوجه شدند که هیئت مدیره‌های با اندازه کوچک‌تر، باعث همکاری و ارتباط بیشتری می‌شود که این خود منجر به بهبود سطح افشا می‌شود. با این حال، مطالعات دیگر نشان می‌دهد که توانایی نظارتی هیئت مدیره در نتیجه افزایش تعداد آن‌ها بیشتر می‌شود (جان و سنبت، ۱۹۹۸، نقل از اچتی و همکاران، ۲۰۱۳). این مطالعات نشان می‌دهد که هیئت مدیره‌های بزرگ‌تر، مدیران را قادر می‌سازد تا از تجارب و عقاید مختلف بهره ببرند. در نتیجه، باعث افزایش توانایی نظارتی هیئت مدیره، کاهش هزینه‌های نمایندگی و شفافیت بیشتر شرکت و در نهایت منجر به بهبود سیاست‌های افشا می‌شود (حسن، ۲۰۱۳، نقل از اچتی و همکاران، ۲۰۱۳). در

زمینه بانک‌های اسلامی، اگرچه محدودیتی از نظر تعداد اعضای هیئت مدیره وجود ندارد، تعداد پنج تا هفت عضو ترجیح داده شده است (فلوراکیس و اُذکان، ۲۰۰۸). تعداد بیشتر اعضای هیئت مدیره به کنترل و نظارت بیشتر بر معاملات بانک‌ها جهت اطمینان از مطابقت آن‌ها با اصول شریعت می‌انجامد و شفافیت بیشتر، احترام به گروه ذی‌نفعان و حداکثر کردن سطح افشا را به همراه دارد.

غیرموظف بودن هیئت مدیره و افشا

لیم، ماتولسی و چو (۲۰۰۷) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که غیرموظف بودن مدیران، بر سطح افشای اطلاعات مرتبط با شرکت تأثیرگذار است. آن‌ها در بررسی ۱۸۱ شرکت استرالیایی به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبتی بین ترکیب هیئت مدیره و افشای داوطلبانه اطلاعات در گزارش‌های سالانه وجود دارد. از دیدگاه آن‌ها، وجود مدیران غیرموظف با اکثریت بالا در هیئت مدیره منجر به بهبود راهبری شرکتی می‌شود و یکی از نتایج راهبری مؤثر، پاسخگویی بیشتر و در نهایت افشای اطلاعات بیشتر است. مدیران مستقل در مقابل مدیران داخلی در زمینه مشارکت در فعالیت‌های روزانه سازمان و مدیریت آن محدود شده‌اند، زیرا کارکنان تمام‌وقت شرکت نیستند. در سطح کارکنان، قرارگرفتن در سطح بالایی از ریسک به ایجاد این انگیزه در مدیران مستقل می‌انجامد تا به افشای هر چه بیشتر اطلاعات داوطلبانه بپردازند.

حسین (۲۰۰۸) در بررسی شرکت‌های موجود در صنعت بانکداری به این نتیجه رسید که غیرموظف بودن هیئت مدیره رابطه مثبتی با سطح افشای سازمان دارد. این یافته مطابق با نظریه نمایندگی است که دخالت هیئت مدیران را جهت نظارت بر فعالیت‌های خودانتفاع مدیران ضروری می‌داند. فرض نظریه نمایندگی این است که هیئت مدیره‌ها به علت رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران باید به نظارت و کنترل عملکرد آن‌ها بپردازند. از طرف دیگر، نقش مدیران غیراجرایی نظارت و کنترل عملکرد مدیریت است و به منزله کارشناسان تصمیم‌عملکرد خودانتفاعانه مدیریت را محدود می‌کنند که این کار از توان مدیرعامل خارج است. در واقع، انتظار می‌رود که مدیران مستقل با نظارت بر رفتار مدیریت، در تقویت هیئت مدیره و حفاظت از منافع سرمایه‌گذاران مؤثرند (پترا، ۲۰۰۵). همچنین، باعث کاهش هزینه‌های نمایندگی شوند.

از دیدگاه اسلامی، اعضای هیئت مدیره باید تمامیت و شهرت اخلاقی و فنی واجد شرایط برای کسب و کارهای بانکی را داشته باشند تا نقش خود را به نحوی مؤثر ایفا کنند. همچنین، باید درک و آگاهی خود را از اصول و قواعد شریعت و آموزه‌های اسلامی مرتبط با کسب‌وکار و امور مالی بهبود بخشند. بر این اساس، می‌توان انتظار داشت که درصد بیشتر مدیران مستقل در

هیئت مدیره منجر به افشای بیشتر بانک‌های اسلامی و افزایش شفافیت می‌شود، زیرا مدیران غیراجرایی قادرند به مدیریت جهت افشای بیشتر انگیزه دهند.

درصد سهامداران نهادی و افشا

سرمایه‌گذاران نهادی با توجه به درصد بالایی از مالکیت سهام جهت نظارت بر رویه‌های افشای شرکت‌ها، انگیزه‌های قوی دارند. بنابراین، مدیران با افشای داوطلبانه اطلاعات به برآورده کردن انتظارات سهامداران نهادی می‌پردازند (رئوف و هران، ۲۰۱۱). از دیدگاه باشی و نو (۲۰۰۰) (نقل از رئوف و هران، ۲۰۱۱)، برای حساسیت سهامداران نهادی نسبت به رویه‌های افشای شرکت‌ها دلایل زیادی وجود دارد. اول اینکه سهامداران نهادی جذب شرکت‌های با سطح افشای خوب می‌شوند، زیرا چنین افشاییه‌هایی گاه هزینه معاملات را کاهش می‌دهد. دوم اینکه افشای خوب به طور بالقوه فرصت‌های تجاری سودآوری فراهم می‌کند که این به نوبه خود منافع سهامداران نهادی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، مؤسساتی که در زمینه راهبری شرکتی فعال‌اند، در صورتی که به افشای عمومی متکی باشند یا به منابعی جهت کسب اطلاعات خاصی دسترسی نداشته باشند، شرکت‌های با افشای آگاهی‌دهنده را ترجیح می‌دهند. در نهایت اینکه افشای شرکت‌ها کم‌هزینه‌ترین روش جهت نظارت بر عملکرد مدیریت است. بنابراین، سهامداران نهادی انگیزه پیدا می‌کنند تا مدیریت را وادار به افشای اطلاعات مربوط کنند.

متغیرهای کنترلی و افشا

این تحقیق علاوه بر متغیرهای راهبری شرکتی، با توجه به مطالعات قبلی، به کنترل سه متغیر اندازه شرکت، سودآوری و اهرم پرداخته است. این مطالعه از کل دارایی‌ها به عنوان معیاری برای اندازه شرکت استفاده کرده است، زیرا این متغیر را محققان دیگری از جمله هو و وانگ (۲۰۰۱)، انگ و مک (۲۰۰۳)، هنیفا و کوک (۲۰۰۵) و مهدغزالی و ویتمن (۲۰۰۶) در زمینه گزارشگری و افشا به طور گسترده در متون پژوهش استفاده کرده‌اند (سعید، ۲۰۰۹). معیار بازده حقوق صاحبان سهام را نیز به طور گسترده محققان استفاده کرده‌اند (سعید، ۲۰۰۹). اوساما و فاطیما (۲۰۱۰) در تحقیق خود رابطه مثبتی بین اندازه شرکت و افشای داوطلبانه اطلاعات یافتند. هنیفا و کوک (۲۰۰۲) در زمینه رابطه بین افشای داوطلبانه اطلاعات و سودآوری به نتایج متفاوتی دست یافتند. نتایج مطالعات آنان نشان داد که بین سودآوری و افشای اطلاعات رابطه مثبت معناداری وجود دارد، این در حالی است که نتایج پژوهش کمفرمن و کوک (۲۰۰۲) نشان‌دهنده رابطه منفی بین این دو متغیر است. همچنین، نتایج پژوهش سعید (۲۰۰۹) نشان داد که بین کل دارایی‌ها و سودآوری با سطح افشای اطلاعات رابطه مثبت معناداری وجود دارد. انگ

و ماک (۲۰۰۳) در تحقیقات خود به رابطه مثبتی بین سطح افشا و اهرم دست‌یافتند، این در حالی است که پرنسیپ (۲۰۰۴) رابطه منفی بین سطح افشا و اهرم مشاهده کرد (حاجی و غزالی، ۲۰۱۳).

نظریه مشروعیت و مفهوم پاسخگویی

مطابق با نظریه مشروعیت، سازمان‌ها به طور مستمر به دنبال اطمینان‌بخشی به این موضوع‌اند که در دامنه مربوط و مطابق با هنجارهای اجتماعی‌شان عمل کنند (گاتری، ۲۰۰۸). از دیدگاه نظریه مشروعیت، افشای اطلاعات ابزاری برای سازمان‌هاست تا نشان دهند مطابق با ارزش‌های اجتماعی عمل می‌کنند و از این طریق می‌توانند تصویر مسئولانه اجتماعی از خود نشان دهند و مشروعیت اجتماعی خود را حفظ یا آن را کسب کنند (پتن، ۱۹۹۱). از دیدگاه اسلامی، افشای کامل ابزار پاسخگویی اجتماعی و شفافیت شرکتی است (لوئیس، ۲۰۰۱). از شرکت‌هایی که در چارچوب دیدگاه‌های اسلامی فعالیت می‌کنند، انتظار می‌رود که در گزارش فعالیت‌های خود شفاف‌تر عمل کنند (حاجی و غزالی، ۲۰۱۳). لوئیس (۲۰۰۱) اعتقاد داشت که اصل افشای کامل در اسلام در ارتباط با مفهوم پاسخگویی است. از دیدگاه اسلامی اطلاعات مالی تنها زمانی مربوط است که شامل ویژگی‌های افشای دقیق، صادقانه و منصفانه تمام حقایق موجود باشد. بنابراین، پاسخگویی در درجه اول به معنای پاسخگویی به خدا، از طریق در دسترس بودن آزادانه اطلاعات است. در سازمان‌های اسلامی، افشای کامل به منظور پیش‌بینی تعهدات آتی و ارزیابی ریسک‌های سرمایه‌گذاری ضروری است. از دیدگاه قرآن و اسلام، افشای همه اطلاعات ضروری به منظور انجام منصفانه تعهدات و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و تجاری مطابق با اخلاق، مهم‌ترین اصل سیستم حسابداری اسلامی است (لوئیس، ۲۰۰۱).

شاخص افشا

در ایران طبق اصل ۴ قانون اساسی، تمامی قوانین و مقررات جزایی، اقتصادی، مالی، سیاسی و فرهنگی باید بر اساس موازین اسلام باشد. مطابق با ماده ۱ از فصل اول قانون عملیات بانکداری بدون ربا در ایران نیز یکی از اهداف نظام بانکی کشور، استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور است. در ایران در سطح کلان و با رویکرد متمرکز در زمینه راهبری شرکتی دو کمیته فقهی تحت عناوین کمیته فقهی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار وجود دارد که به نظارت بر بانک‌ها با هدف ارتقای میزان انطباق فعالیت‌های بانکی کشور با تعالیم اسلامی می‌پردازد. همچنین، در منشور کمیته حسابرسی

آیین‌نامه نظام راهبری شرکتی در ایران نیز آمده است که هدف کمیته حسابرسی کمک به هیئت مدیره در انجام مسئولیت‌های نظارتی‌اش است تا از درستی صورت‌های مالی و رعایت قوانین و مقررات لازم‌الاجرا اطمینان حاصل نماید. با وجود چنین قوانین اسلامی، این موضوع که تا چه اندازه سطح افشا در گزارش‌های سالانه بانک‌ها در جهت دیدگاه‌های اسلامی حرکت کرده است به کمک چک‌لیست افشا ارزیابی می‌شود. این چک‌لیست شامل موارد زیر است:

اطلاعات راهبردی. اطلاعات راهبردی آن چیزی است که شرکت باید درباره محیط تجاری خود بداند تا بتواند بصیرت و بینشی در فرایندهای کنونی به دست آورد و پیش‌بینی کند. همچنین، تغییر برای آینده و مدیریت و راهبردهای مناسبی طراحی کند که ارزش تجاری برای مشتریان داشته باشد و سودآوری را در بازارهای کنونی و نوین بهبود بخشد (رضا کلهر، ۱۳۸۳، نقل از کاشانی‌پور، ۱۳۹۲).

اطلاعات مدیریت ریسک. فعالیت اصلی بانک‌ها تجهیز و تخصیص منابع پولی است و این فعالیت‌ها بانک‌ها را با ریسک‌های گوناگونی روبه‌رو می‌کند. بانک‌های اسلامی اگرچه با ریسک‌های مشابهی همچون بانک‌های مرسوم مواجه‌اند، به علت ساختار منحصر به فرد دارایی‌ها و بدهی‌های خود باید به مقابله با ریسک‌های جدیدتر جهت تطابق با شریعت بپردازند. از جمله این ریسک‌ها ریسک نظارت بر شریعت و ریسک عملیاتی است. ریسک نظارت بر شریعت ریسکی است که بانک‌های اسلامی به علت عدم انطباق فعالیتشان با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام، ممکن است با آن مواجه شوند. ریسک عملیاتی به علت دارایی محور بودن فعالیت‌های بانکداری اهمیت بسزایی دارد. اطلاعات مدیریت ریسک خوانندگان را در درک و ارزیابی ریسک‌های شرکت و تصمیم‌گیری در زمینه مدیریت کردن آن‌ها توانمند می‌سازد.

اطلاعات مالی. اطلاعات حسابداری مالی بخش اصلی گزارش‌های سالانه‌ای است که سرمایه‌گذاران به آن تکیه می‌کنند. قابل‌اتکا و مربوط بودن اطلاعات حسابداری مالی از وظایف مدیران است. اهمیت اطلاعات مالی در جایی است که سرمایه‌گذاران متکی بر افشای اطلاعات در گزارش‌های سالانه‌اند و اینکه اطلاعات داوطلبانه‌تر مالی، شفافیت را ارتقا می‌دهد و رفتارهای فرصت‌طلبانه و عدم تقارن اطلاعاتی و توانایی مدیریت در نگهداری اطلاعات جهت حداکثر کردن منافع خود را کاهش می‌دهد.

اطلاعات اجتماعی و محیطی. مراقبت از جامعه و محیط زیست بخشی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌هاست و باید در صورت خسارت‌زدن به محیط زیست پاسخگو باشند. با این حال گزارشگری اجتماعی و محیطی هنوز در بیشتر کشورها به علت عدم وجود سیاست قوی، تنها به

عنوان گزارش‌های داوطلبانه در نظر گرفته می‌شود. افشای اطلاعات اجتماعی و محیطی نشان‌دهنده این است که هیئت مدیره باید در تصمیم‌های خود علاوه بر منافع سهامداران، منافع سایر ذی‌نفعان را نیز در نظر بگیرد.

راهبری شرکتی و سطح افشا در بانک‌ها

نظریه نمایندگی و تعداد زیادی از رهنمودهای شرکت‌ها نشان می‌دهد که سیستم راهبری شرکتی مناسب، منجر به افشای شفاف‌تر اطلاعات می‌شود. اهمیت افشای اطلاعات در گزارش‌های سالانه یکی از جنبه‌های مهم راهبری شرکتی خوب شناخته شده است. کمیته بازل (۲۰۰۵) در نظارت بانکداری اظهار داشت که افشا با راهبری شرکتی آمیخته است، زیرا افشای بیشتر عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد، تضاد منافع بین سهامداران و مدیریت را آشکار می‌کند و افراد داخلی شرکت را پاسخگو می‌سازد. علاوه بر این، ثبات بخش مالی و پایداری اقتصاد متکی بر اثربخشی راهبری شرکتی بانک‌هاست (اچتی و رشید، ۲۰۱۲). راهبری ضعیف بانک‌ها باعث از بین رفتن اعتماد بازار نسبت به توانایی بانک‌ها در مدیریت مناسب دارایی‌ها و بدهی‌ها از جمله سپرده‌ها می‌شود که این خود منجر به بحران نقدینگی در کشور و به دنبال آن بحران اقتصادی می‌شود و دارای ریسک سیستماتیک برای جوامع بزرگ است (کمیته بازل، ۲۰۰۵).

پیشینه تجربی پژوهش

کاشانی‌پور، زنجیردار، پارچینی و بابازاده (۱۳۹۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین درصد مالکیت سهامداران نهادی با سطح افشا رابطه مستقیمی وجود دارد. از دیدگاه آن‌ها وجود سهامداران نهادی در سازمان به دلیل نفوذ قابل توجهی که دارد موجب نظارت و کنترل بر رفتار مدیران جهت کاهش مسائل نمایندگی می‌شود.

بهارمقدم، صادقی و صفرزاده (۱۳۹۲) به این نتیجه دست یافتند که بین نسبت مدیران غیرموظف در هیئت مدیره و سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

ستایش و کاظم‌نژاد (۱۳۹۱) به بررسی عوامل مؤثر بر سطح افشای شرکت‌ها پرداختند. آن‌ها در تحقیق خود بیشتر بر ویژگی‌های شرکت‌ها تأکید کردند و به این نتیجه رسیدند که بین سودآوری و کیفیت افشا رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، بین اهرم مالی و کیفیت افشا رابطه منفی مشاهده کردند.

معین‌الدین، دهقان و میرانی (۱۳۹۱) بین غیرموظف‌بودن هیئت مدیره و افشای شرکتها رابطه معناداری مشاهده نکردند.

نگهبان و فضل‌ی (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیدند که بین اندازه هیئت مدیره و غیرموظف‌بودن هیئت مدیره با کیفیت افشا رابطه مثبت معناداری وجود دارد. آنها به جای اندازه‌گیری سطح افشا از طریق چک‌لیست افشا و در نظر گرفتن ارقام اسلامی در چک‌لیست از اطلاعات سازمان بورس اوراق بهادار تهران استفاده کردند. این سازمان امتیاز و رتبه تمامی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس را از نظر کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب و به موقع به بازار منعکس می‌کند.

هاجر (۱۹۹۷) استدلال کرد که هیئت مدیره‌های کوچک‌تر قادرند تا بر تصمیم‌های مدیریت در ارتباط با افشای اطلاعات نظارت کنند. این استدلال را بایارد و همکاران (۲۰۰۶) تأیید کردند. آنها ۱۲۷۹ شرکت را در طول سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۲ بررسی کردند و دریافتند که افشای اطلاعات با افزایش اندازه هیئت مدیره کاهش می‌یابد.

بیکس و براون (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های با راهبری شرکتی بهتر، افشای آگاهانه‌تری دارند.

لیم و همکاران (۲۰۰۷) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که غیرموظف‌بودن مدیران، بر سطح افشای اطلاعات مرتبط با شرکت تأثیرگذار است. آنها در بررسی ۱۸۱ شرکت در استرالیا به این نتیجه رسیدند که بین ترکیب هیئت مدیره و افشای داوطلبانه اطلاعات در گزارش‌های سالانه رابطه مثبتی وجود دارد.

حسین (۲۰۰۸) در بررسی شرکت‌های موجود در صنعت بانکداری به این نتیجه رسید که غیرموظف بودن هیئت مدیره رابطه مثبتی با سطح افشای سازمان دارد.

باشی و نو (۲۰۰۰) مستند کردند که رابطه مثبت معناداری بین درصد سهامداران نهادی و رویه‌های افشای شرکتها وجود دارد، به نحوی که این رابطه را انجمن تحقیقات و مدیریت سرمایه‌گذاری اندازه‌گیری کرده است (رئوف و هران، ۲۰۱۱).

باسین (۲۰۱۲) عوامل تعیین کننده بر افشای داوطلبانه در بخش بانکداری قزاقستان را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که ترکیب هیئت مدیره بر افشای داوطلبانه بانک‌های موجود در قزاقستان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به توضیحات در قسمت سابقه تحقیقات و با توجه به اینکه در زمینه بانکها با محوریت اسلامی و اندازه‌گیری سطح افشا با تأکید بر معیارهای اسلامی تحقیقاتی انجام نشده است، فرضیه‌های تحقیق را می‌توان به صورت زیر تدوین کرد:

- H_۱: بین اندازه هیئت‌مدیره و سطح افشا در بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- H_۲: بین نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره و سطح افشا در بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- H_۳: بین درصد سهامداران نهادی و سطح افشا در بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه و نمونه آماری پژوهش و منابع داده‌ها

تمامی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران که صورت‌های مالی آن‌ها به عموم ارائه شده است، جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهد و دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. سال مالی بانک‌ها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.
 ۲. بانک طی سال‌های مالی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ تغییر سال مالی نداده باشد.
 ۳. اطلاعات مدیریتی آن‌ها (به‌خصوص گزارش فعالیت هیئت‌مدیره) در دسترس باشد.
- با توجه به محدودیت‌های فوق، نمونه آماری شامل بیست بانک پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۲ است. قلمرو زمانی فوق با توجه به محدودیت در اختیار داشتن اطلاعات، به‌خصوص گزارش فعالیت هیئت‌مدیره انتخاب شده است. این پژوهش از نوع توصیفی و با هدف کاربردی است. از طریق بررسی متون پژوهش، اطلاعات جمع‌آوری شد. شیوه دیگر گردآوری داده‌ها مراجعه به سایت کدال موجود در سازمان بورس و اوراق بهادار، به منظور استخراج اطلاعات مربوط بوده است. برای ارزیابی رابطه بین متغیرهای راهبردی شرکتی با سطح افشا از رویکرد فرضیه‌ای - قیاسی استفاده شده است. این روش، ابتدا با چارچوب نظری آغاز شد و پس از ترکیب اطلاعات گردآوری‌شده، فرضیه‌ها تدوین شد و برای تعیین اینکه آیا داده‌ها فرضیه‌ها را تأیید می‌کند، آزمون شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق روش‌های توصیفی و با استفاده از نرم‌افزار Eviews انجام گرفته است.

چک‌لیست افشا

سطح افشا با استفاده از روش وزنی اندازه‌گیری می‌شود. در این روش به اقلامی ارائه نشده در گزارش‌های سالانه نمره صفر و به اقلام افشاشده در گزارش‌های سالانه نمره ۱ داده می‌شود. شاخص سطح افشا بر اساس نسبت نمره واقعی بر نمره کل افشا محاسبه می‌شود. در نتیجه شاخص سطح افشای بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به شرح زیر محاسبه می‌شود.

$$TCD = AS/TS \quad \text{رابطه (۱)}$$

در این معادله AS سطح نمره افشای واقعی و TS سطح نمره افشای کل است.

اندازه‌گیری متغیرها و نحوه عملیاتی کردن آنها

براساس مطالعات حاجی و غزالی (۲۰۱۳) و اچتی، سعید و سلمان (۲۰۱۳)، مدل رگرسیون این پژوهش شامل یک متغیر وابسته، سه متغیر مستقل و سه متغیر کنترل جهت آزمون فرضیه‌ها به شکل زیر تدوین شده است.

$$QCD = \beta_0 + \beta_1 IND_S + \beta_2 Bod\ Size + \beta_3 OwnIIP + \beta_4 Size + \beta_5 Prof + \beta_6 Lev \quad \text{رابطه (۲)}$$

که در این مدل QCD، شاخص سطح افشا (متغیر وابسته)، IND غیرموظف بودن هیئت‌مدیره، Bod Size اندازه هیئت‌مدیره، Own IIP درصد سهامداران نهادی (متغیرهای مستقل)، Size اندازه شرکت، Prof سودآوری و Lev نسبت بدهی است. جدول ۱ نحوه تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهد.

جدول ۱. تعریف عملیاتی متغیرها

نام متغیر	مخفف متغیر	نوع متغیر	نحوه عملیاتی کردن متغیر	چارچوب نظری	منابع داده
۱. سطح افشا	QCD	وابسته	اندازه‌گیری سطح افشا بر اساس چک‌لیست و نمره افشا	مفهوم پاسخگویی و نظریه مشروعیت	گزارش‌های سالانه
۲. غیرموظف بودن هیئت مدیره		مستقل	نسبت مدیران غیراجرایی مستقل به کل مدیران	مفهوم پاسخگویی و نظریه نمایندگی	گزارش‌های سالانه
۳. اندازه هیئت مدیره	B Size	مستقل	تعداد مدیران در هیئت مدیره	مفهوم پاسخگویی و نظریه نمایندگی	گزارش‌های سالانه
۴. درصد سهامداران نهادی	Own IIP	مستقل	نسبت سهام نگهداری شده توسط سهامداران نهادی به کل سهام منتشره	مفهوم پاسخگویی و نظریه نمایندگی	گزارش‌های سالانه
۵. اندازه شرکت	Size	کنترل	کل دارایی‌ها	مفهوم پاسخگویی و نظریه نمایندگی	گزارش‌های سالانه
۶. سودآوری	Prof	کنترل	بازده حقوق صاحبان سهام (ROE)	مفهوم پاسخگویی و نظریه نمایندگی	گزارش‌های سالانه
۷. اهرم	Lev	کنترل	نسبت بدهی	مفهوم پاسخگویی و نظریه نمایندگی	گزارش‌های سالانه

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی متغیر وابسته

جدول ۲ نمرات سطح افشای بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را در محدوده ۱۷ درصد تا ۶۶ درصد با میانگین ۴۵/۸ درصد و انحراف معیار ۱۱ درصد نشان می‌دهد. این جدول همچنین با توجه به آزمون جارکیو- برا (آزمون نرمال بودن) و احتمال ۴۶ درصد، نشان می‌دهد که نمرات سطح افشا به صورت نرمال توزیع شده است. در این پژوهش با حذف بانک‌هایی که اطلاعات مورد نیاز را در اختیار نداشتند، در جمع ۵۶ مشاهده با مدل مذکور برآورد شد. همچنین، جدول ۳ نشان می‌دهد که هفت مشاهده از بانک‌ها، سطح افشایی بیش از ۵۰ درصد و تنها یک مشاهده از بانک‌ها سطح افشایی کمتر از ۲۰ درصد داشت. این نتایج نشان‌دهنده سطح افشای متوسط بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

جدول ۲. آماره توصیفی متغیر وابسته- شاخص افشا

شاخص افشا	
۰/۴۵۸۸۷۹	میانگین
۰/۴۵۸۷۱۶	میانه
۰/۶۶۰۵۵۰	بیشینه
۰/۱۷۴۳۱۲	کمینه
۰/۱۱۱۳۰۱	انحراف معیار
-۰/۳۸۸۱۴۵	چولگی
۳/۲۴۵۸۴۶	کشیدگی
۱/۵۴۷۱۵۳	آزمون جارکیو- برا
۰/۴۶۱۳۶۰	احتمال
۵۶	تعداد مشاهدات

جدول ۳. طبقه‌بندی سطح افشا

تعداد مشاهدات	طبقه‌بندی سطح افشا
۱	[۰/۱, ۰/۲)
۴	[۰/۲, ۰/۳)
۸	[۰/۳, ۰/۴)
۲۵	[۰/۴, ۰/۵)
۱۱	[۰/۵, ۰/۶)
۷	[۰/۶, ۰/۷)
۵۶	کل

آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل و کنترل

جدول ۴ تحلیلی توصیفی برای متغیرهای مستقل فراهم می‌کند. طبق اساسنامه نمونه بانک‌های تجاری غیردولتی، اعضای هیئت مدیره باید فاقد سمت اجرایی در بانک باشند و نمی‌توانند هیچ‌گونه سمت مدیریتی، کارشناسی و مشاوره‌ای یا نظایر آن را در بانک بپذیرند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که به طور متوسط تعداد اعضای غیرموظف ۴۶ درصد است که مطابق با الزام‌های اساسنامه بانک مرکزی مبنی بر غیراجرایی بودن تمام اعضای هیئت‌مدیره نیست. همچنین، طبق اساسنامه بانک مرکزی، هیئت‌مدیره بانک باید متشکل از حداقل پنج نفر و حداکثر نه نفر عضو باشد. نتایج پژوهش میانگین تعداد اعضای هیئت‌مدیره را تقریباً پنج نفر نشان می‌دهد که این عدد با حداقل اعضای تعیین شده در این اساسنامه همخوانی دارد. این مطالعه همچنین مشکل مربوط به وجود هم‌خطی چندگانه را بین متغیرهای مستقل بررسی می‌کند (جدول ۵). هم‌خطی چندگانه زمانی وجود دارد که دو یا بیش از دو متغیر مستقل همبستگی بالایی نسبت به هم داشته باشند (۷۰ درصد به بالا). اگر دو متغیر مستقل همبستگی بالایی با هم داشته باشند، یکی از متغیرها باید از مدل رگرسیون حذف شود (بلک، ۲۰۰۴، نقل از حاجی و غزالی، ۲۰۱۳). نتایج همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بالاترین ضریب همبستگی بین درصد سهامداران نهادی و سودآوری (۶۴ درصد) وجود دارد که کمتر از ۷۰ درصد است. همچنین، عامل تورم واریانس (VIF) در ارتباط با مشکل هم‌خطی بررسی شده است. در صورتی که VIF بیش از ۱۰ باشد، مشکل هم‌خطی بین متغیرها وجود دارد (کندی، ۱۹۹۹، نقل از حاجی و غزالی، ۲۰۱۳). نتایج رگرسیون در جدول ۶ نشان می‌دهد که بیشترین VIF، ۴/۰۳۴ است. بنابراین، نتایج همبستگی نشان می‌دهد که مشکل هم‌خطی وجود ندارد و متغیرهای مستقل و کنترلی در مدل رگرسیون باقی می‌ماند. نتایج نرمال بودن جمله اخلاص، مقدار آماره جارکیو برا (JB) را ۰/۵۸ و مقدار p-value را ۰/۷۴ نشان می‌دهد. بنابراین، فرض نرمال بودن جمله اخلاص را در سطح معنادار ۵ درصد رد نمی‌کند.

جدول ۵ نتایج همبستگی پیرسون را برای سطح افشای بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان می‌دهد. این نتایج نشان می‌دهد که بین درصد سهامداران نهادی، اهرم و سودآوری با سطح افشای بانک‌ها در سطح ۱ درصد همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. نتایج همبستگی همچنین، نشان می‌دهد که بین اندازه شرکت با سطح افشا همبستگی مثبت معناداری در سطح ۵ درصد وجود دارد.

جدول ۴. آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل و کنترل

اندازه شرکت	سودآوری	نسبت بدهی (اهرم)	اندازه هیئت مدیره	درصد سهامداران نهادی	غیرموظف بودن هیئت مدیره	
-۰/۳۷۴۶۷۰	-۰/۱۷۲۶۸۹	-۰/۸۵۹۸۴۳	۵/۳۷۲۵۴۹	-۰/۶۰۳۱۷۸	-۰/۴۶۴۷۵۳	میانگین
-۰/۱۲۲۹۸۰	-۰/۱۷۱۶۹۶	-۰/۹۱۹۳۸۹	۵/۰۰۰۰۰۰	-۰/۶۳۳۱۰۰	-۰/۴۰۰۰۰۰	میانه
۳/۷۷۲۷۰۲	-۰/۴۰۷۱۴۹	-۰/۹۷۷۱۸۲	۷/۰۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰۰	-۰/۸۵۷۱۴۳	بیشینه
-۰/۰۰۰۵۰۸	-۰/۰۲۷۹۹۲	-۰/۱۹۷۶۱۵	۳/۰۰۰۰۰۰	-۰/۰۵۸۸۰۰	-۰/۰۰۰۰۰۰	کمینه
-۰/۶۹۱۱۴۸	-۰/۰۹۵۹۵۰	-۰/۱۶۴۸۵۸	-۰/۹۹۹۲۱۵	-۰/۲۴۱۹۵۶	-۰/۲۴۷۸۹۲	انحراف معیار
۳/۵۲۵۲۴۸	-۰/۰۰۵۷۳۹	-۲/۶۵۶۸۵۸	-۰/۵۳۷۹۱۷	-۰/۴۱۲۱۳۳	-۰/۱۱۴۴۲۱	چولگی
۱۶/۱۴۸۷۹	۲/۴۵۰۷۹۳	۹/۷۶۸۱۰۰	۲/۶۷۷۷۹۹	۲/۵۱۱۱۵۹	۱/۷۱۵۵۹۶	کشیدگی
۴۷۳/۰۲۵۳	-۰/۶۴۱۲۴۱	۱۵۷/۳۴۰۸	۲/۶۸۰۱۲۳	۱/۹۵۱۵۵۸	۳/۶۱۶۸۸۴	آزمون جارکیو- برا
-۰/۰۰۰۰۰۰	-۰/۷۲۵۶۹۹	-۰/۰۰۰۰۰۰	-۰/۲۶۱۸۳۰	-۰/۳۷۶۸۹۹	-۰/۱۶۳۹۰۹	احتمال
۵۶	۵۶	۵۶	۵۶	۵۶	۵۶	مشاهدات

جدول ۵. نتایج آزمون همبستگی پیرسون

اندازه شرکت	سودآوری	نسبت بدهی (اهرم)	اندازه هیئت مدیره	نسبت سهامداران نهادی	غیرموظف بودن مدیره هیئت	شاخص افشا	احتمال همبستگی
						۱/۰۰۰۰۰	شاخص افشا

					۱/۰۰۰	-۰/۱۶۱۴	غیرموظف بودن هیئت مدیره
					-----	-۰/۲۵۷۶	
				۱/۰۰۰۰۰۰	-۰/۱۸۰	-۰/۵۴۴۱۷	درصد سهامداران نهادی
				-----	-۰/۲۰۳	-۰/۰۰۰۰	
			۱/۰۰۰	-۰/۱۸۲۸۶۴	-۰/۲۴۶	-۰/۰۷۱۵۳	اندازه هیئت مدیره
			-----	-۰/۱۹۶۵	-۰/۰۸۰	-۰/۶۱۷۹	
		۱/۰۰۰۰	-۰/۰۳۸	-۰/۳۴۱۵۶۶	-۰/۱۳۷	-۰/۵۲۷۰۲	نسبت بدهی (اهرم)
		-----	-۰/۷۸۸	-۰/۰۱۴۲	-۰/۳۳۷	-۰/۰۰۰۱	
	۱/۰۰۰۰۰	-۰/۴۳۵۹	-۰/۲۱۷	-۰/۶۴۰۹۶۱	-۰/۲۷۵	-۰/۵۴۴۴۰	سودآوری
	-----	-۰/۰۰۱۴	-۰/۱۲۵	-۰/۰۰۰۰	-۰/۰۵۰	-۰/۰۰۰۰	
۱/۰۰۰۰	-۰/۳۱۲۳۷	-۰/۱۴۵۸	-۰/۲۲۴	-۰/۲۹۰۱۴۲	-۰/۳۹۲	-۰/۲۶۹۸۶	اندازه شرکت
-----	-۰/۰۲۵۶	-۰/۳۰۷۳	-۰/۱۱۳	-۰/۰۳۸۹	-۰/۰۰۴	-۰/۰۵۵۵	

جدول ۶ تحلیل رگرسیون چندگانه را برای متغیر وابسته سطح افشای بانک‌ها نشان می‌دهد. با انجام آزمون لیمیر (چاو) وجود آثار تصادفی زمانی بررسی شد. نتایج حاصل نشان داد که مدل برآوردی با $p\text{-value} > 0/05$ به صورت pool است. براساس نتایج جدول ۶، مدل رگرسیون چندمتغیره از لحاظ آماری در سطح $0/000001$ همچنین با ضریب تعیین تعدیل شده $0/5215$ معنادار است. نتایج همچنین نشان‌دهنده این است که غیرموظف بودن هیئت مدیره و نسبت بدهی (اهرم) در توضیح سطح افشای بانک‌ها در سطح ۱ درصد معنادار است. همچنین، درصد سهامداران نهادی و سودآوری در تعیین سطح افشای بانک‌ها در سطح ۵ درصد معنادار است.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول. با توجه به بالا بودن معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب بتا ($0/5208$) نتایج آزمون نشان می‌دهد که بین اندازه هیئت مدیره با سطح افشای بانک‌ها رابطه معناداری وجود ندارد. در نتیجه فرض اول مبنی بر وجود رابطه معنادار بین اندازه هیئت مدیره با سطح افشای بانک‌ها رد می‌شود.

فرضیه دوم. با توجه به پایین بودن معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب بتا ($0/0037$) نتایج آزمون نشان می‌دهد که غیرموظف بودن هیئت مدیره در توضیح سطح افشای بانک‌ها معنادار است. در نتیجه، فرض دوم مبنی بر وجود رابطه معنادار بین غیرموظف بودن هیئت مدیره با سطح افشا را نمی‌توان در سطح اطمینان ۹۹ درصد رد کرد. با این حال، با وجود اینکه طبق نظریه نمایندگی، وجود اعضای غیرموظف و مستقل در هیئت مدیره تصویر مثبتی از غیرموظف بودن و مسئولیت پاسخگویی را برای سهامداران پیش‌بینی می‌کند و اطمینان از رعایت مصوبات راهبری شرکتی افزایش می‌یابد و نتیجه آن بهبود سطح افشای اطلاعات است، نتایج نشان‌دهنده رابطه منفی بین این دو متغیر است. در توجیه این نتیجه می‌توان گفت که استقلال اعضا به خوبی شکل نگرفته و دانش تجاری اعضای غیرموظف به اندازه کافی نبوده است.

فرضیه سوم. با توجه به پایین بودن معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب بتا ($0/163$) نتایج آزمون نشان می‌دهد که بین درصد سهامداران نهادی با سطح افشا رابطه معناداری وجود دارد. در نتیجه، فرض سوم مبنی بر وجود رابطه معنادار بین نسبت سهامداران نهادی با سطح افشا را نمی‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد کرد. با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون، رابطه مثبت بین درصد سهامداران نهادی با سطح افشا نشان می‌دهد که مالکیت نهادی عاملی است که منجر به ترغیب شرکت‌ها برای افشای اطلاعات می‌شود. این رابطه نشان می‌دهد که درصد بالای مالکیت سهام توسط سهامداران نهادی منجر به ترغیب

آن‌ها جهت نظارت بیشتر و بهتر بر بانک‌ها می‌شود و در نتیجه مدیران بانک‌ها با افشای اطلاعات بیشتر، انتظارات سهامداران نهادی را برآورده می‌کنند. همچنین، رابطه مثبت بین شاخص افشا و اهرم نشان‌دهنده این است که بانک‌ها در زمینه پاسخگویی به ذی‌نفعان مختلف، سطح افشای بالاتری فراهم می‌کنند. رابطه مثبت بین شاخص افشا و سودآوری مطابق با نظریه نمایندگی تأیید می‌شود. بر مبنای نظریه نمایندگی، شرکت‌های سودآور در جهت منافع خود تمایل به افشای بیشتر اطلاعات دارند. برای مثال، ممکن است مدیران جهت حفظ پاداش و موقعیت خود، اطلاعات بیشتری افشا کنند. رابطه مثبت بین اندازه شرکت با سطح افشا ممکن است ناشی از انتظارات بالای جامعه از شرکت‌های با اندازه بزرگ‌تر در افشای اطلاعات بیشتر باشد.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش (تعداد کل مشاهدات: ۵۶ مورد)

نام متغیر	ضریب بتا	انحراف معیار	آماره t	Prob.	Centered VIF
غیرموظف‌بودن هیئت مدیره	-۰/۱۸۰۰۳۷	۰/۰۵۸۶۶۸	-۳/۰۶۸۷۲۴	۰/۰۰۳۷	۱/۸۱۲
درصد سهامداران نهادی	۰/۱۵۱۹۵۵	۰/۰۶۰۸۱۲	۲/۴۹۸۷۷۸	۰/۰۱۶۳	۲/۷۹۵
اندازه هیئت مدیره	-۰/۰۰۸۱۰۲	۰/۰۱۲۵۱۸	-۰/۶۴۷۲۲۸	۰/۵۲۰۸	۱/۴۷۰۷
نسبت بدهی (اهرم)	۰/۲۲۸۲۱۳	۰/۰۷۶۵۱۹	۲/۹۸۲۴۳۶	۰/۰۰۴۶	۱/۶۹۹
سودآوری	۰/۴۱۹۵۵۰	۰/۱۶۹۳۵۹	۲/۴۷۷۲۲۷	۰/۰۱۷۲	۴/۰۳۴
اندازه شرکت	۰/۰۱۹۸۵۹	۰/۰۲۱۳۹۳	-۰/۹۳۲۶۸۱	۰/۳۵۶۱	۲/۸۲۰۷
C	۰/۲۳۸۹۵۹	۰/۰۹۰۵۵۷	۲/۶۳۸۷۶۸	۰/۰۱۱۵	NA
ضریب تعیین	۰/۵۷۹		آماره دوربین واتسون		۱/۵۱۲۲
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۲۱۵		آماره F		۱۰/۰۸۵
انحراف معیار	۰/۰۷۸۶		سطح معناداری آماره F		۰/۰۰۰۰۱

نتیجه‌گیری، پیشنهادها و محدودیت‌ها

این مطالعه به بررسی وضعیت، همچنین عوامل تعیین‌کننده سطح افشای بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که سطح افشای بانک‌ها با توجه به میانگین سطح افشا در حد متوسط به پایین است (۴۵/۸۸ درصد). نتایج این مطالعه نسبت به مطالعات قبلی محققان مالزی از جمله اوساما و فاطیما (۲۰۱۰) و حاجی و غزالی

(۲۰۱۳) که میانگین سطح افشای به دست آمده آن‌ها کمتر از ۲۰ درصد است، سطح افشای مطلوبی را نشان می‌دهد.

انتظار می‌رود که بانک‌ها به منظور افزایش شفافیت و پاسخگویی بیشتر، سطح افشای بهتری از خود نشان دهند. در زمینه عوامل مؤثر بر سطح افشای بانک‌ها، نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که غیرموظف بودن هیئت مدیره و اهرم در سطح معناداری ۱ درصد در توضیح سطح افشای بانک‌ها معنادار است. همچنین، درصد سهامداران نهادی و سودآوری در سطح ۵ درصد در تعیین سطح افشای بانک‌ها معنادار است. نتایج ضریب همبستگی پیرسون (جدول ۵) نیز نشان می‌دهد که بین درصد سهامداران نهادی، اهرم و سودآوری با سطح افشای بانک‌ها در سطح ۱ درصد همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج به دست آمده از جدول ۵ نشان می‌دهد که بین اندازه شرکت با سطح افشا در سطح ۵ درصد همبستگی مثبت معناداری وجود دارد که ممکن است ناشی از انتظارات بالای جامعه از شرکت‌های با اندازه بزرگ‌تر در افشای اطلاعات بیشتر باشد. رابطه مثبت بین درصد سهامداران نهادی با سطح افشا اشاره به این دارد که سهامداران نهادی با توجه به درصد بالای مالکیت سهام، تمایل به نظارت بیشتر بر بانک‌ها دارند، در نتیجه مدیران بانک با افشای اطلاعات بیشتر انتظارات سهامداران نهادی را فراهم می‌کنند.

نتایج این مطالعه چند کاربرد دارد. اول اینکه سطح افشای متوسط به پایین بانک‌ها نشان می‌دهد که این بانک‌ها هنوز نیازمند آگاهی از موضوعات مربوط به مفاهیم پاسخگویی و افشای کامل است. در نتیجه، نهادهای تدوین کننده استاندارد و قانون گذاران باید در تدوین استانداردهای مربوط به افشا بیشتر به سمت اسلامی شدن یعنی شفافیت و پاسخگویی اجتماعی حرکت کنند. همچنین، از سازمان بورس اوراق بهادار تهران انتظار می‌رود که در زمینه بهبود آگاهی بخشی بانک‌ها و مؤسسات مالی درباره مسائل مرتبط با پاسخگویی و شفافیت کمک کند که منجر به عدالت اقتصادی و اجتماعی می‌شود و در زمینه گزارشگری و افشای کامل، رهنمودهای دقیقی را برای بانک‌ها فراهم آورد. دوم اینکه رابطه مثبت معنادار بین درصد سهامداران نهادی، اهرم و سودآوری با سطح افشا نشان می‌دهد که این متغیرها، عوامل تعیین کننده بااهمیتی برای سطح افشای کامل بانک‌هاست که در مطالعات باید بیشتر به آن توجه شود.

محدودیت‌های پژوهش

این مطالعه همچنین دارای محدودیت‌هایی است. اول اینکه بررسی گزارش‌های سالانه محققان دارای درجاتی از قضاوت‌های ذهنی است که ممکن است قابلیت اتکا به نتایج را کاهش دهد. دوم اینکه این مطالعه تنها بر افشای اطلاعات صورت گرفته در گزارش‌ها سالانه اتکا می‌کند.

در حالی که کانال‌های اطلاعاتی دیگری از جمله وبسایت‌ها و مراجعه حضوری به بانک مرکزی وجود دارد که با توجه به زمان‌بر بودن آن در این مطالعه از آن صرف‌نظر است.

References

- Abdul Rahman, R. & Saimi, N.S. (2013). Determinants of Ethical Identity Disclosure Among Malaysian and Bahrain Islamic Banks. *Accounting Research Institute*.
- BaharMoghadam, M., Sadeghi, Z. & Safarzadeh, S. (2013). Examine the relationship between corporate governance mechanisms on disclosure of corporate social responsibility. *Journal of Financial Accounting*. (in Persian)
- Basel Committee on Banking Supervision. (2005). Enhancing corporate governance for banking organisations. www.bis.org/publ/bcbs122.htm.
- Beekes, W. & Brown, P. (2006). Do Better-Governed Australian Firms Make More Informative Disclosures? *Journal of Business Finance & Accounting*, 4, 422–450.
- Bhasin, M.L. (2012). Determinants of voluntary disclosure in the banking sector: An empirical study. *Contemporary Business Studies*, 60.76.
- Byard, D.L., Li, Y. & Weintrop, J. (2006). Corporate governance and the quality of financial analysts' information. *Journal of Accounting and Public Policy*, 609–625.
- Farook, S., Hossain, M. K. & Lanis, R.. (2011). Determinants of corporate social responsibility disclosure: The case of Islamic banks. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*.
- Florackis, C. & Ozkan, A. (2004). Agency Costs and Corporate Governance Mechanisms: Evidence for UK Firms. *International Journal of Managerial Finance*.
- Guthrie, J., Cuganesan, S., Ward, L. (2008). Industry specific social and environmental reporting: The Australian Food and Beverage Industry. *Accounting Forum*, 1–15.
- Haji, A.A. & Ghazali, N.A.M. (2013). The quality and determinants of voluntary disclosures in annual reports of Shari'ah compliant companies in Malaysia. *Humanomics*, 24-42.
- Haniffa, R. & Cooke, T.(2002). Culture, Corporate, Governance and Disclosure in Malaysian. *ABACUS*, 317-349.
- Hossain, M. (2008). The Extent of Disclosure in Annual Reports of Banking. *European Journal of Scientific Research*.

- Htay, S.N. & Rashid, A. (2012). The Impact of Corporate Governance on the Voluntary Accounting Information Disclosure in Malaysian Listed Banks. *Global Review of Accounting and Finance*, 128 – 142.
- Htay, S.N. Said, R.M. & Salman, S.A. (2013). Impact of Corporate Governance on Disclosure Quality: Empirical Evidence from Listed Banks in Malaysia. *Journal of Economics and Management*, 7(2): 242 – 279
- Judge, W.G., Naumova, I. & Koutzevol, N. (2003). Corporate governance and firm performance in Russia: an empirical study. *Journal of World Business*, 385–396.
- Kashanipoor, M., Zanjirdar, M., Parchini, M. & Babazadeh, J. (2013). The relationship between voluntary disclosure and corporate governance mechanisms. *Financial Accounting and Auditing Research*, 43-68. (in Persian)
- Lewis, M.K. (2001). Islam and accounting. *Blackwell Publisher Ltd, Feature Article, Accounting Forum*
- Lim, S., Matolcsy, Z. & Chow, D. (2007). The association between board composition and different types of voluntary disclosure.
- Majid, N.H. & Ismail, A.G. (2008). Determinants of Disclosure Quality in Islamic Banks. *Islamic Economics and Finance Research Group*.
- Moin-ud-din, M. Dehghan, F. & Mirani, F. (2012). Examine the relationship between corporate governance mechanisms and the quality of information disclosure of listed companies in Tehran Stock Exchange. *the first regional conference on new approaches in accounting and auditing*, 22. (in Persian)
- Negahban, L. & Fazli, V. (2013). The relationship between corporate governance characteristics and level of disclosure among listed banks in Tehran Stock Exchange. *The National Conference of monetary management and banking*, 22. (in Persian)
- Ousama, A.A. & Fatima, A.H. (2010). Voluntary disclosure by Shariah approved companies: an exploratory study. *Journal of Financial Reporting and Accounting*.
- Patten, D.M. (2012). Exposure, Legitimacy, and Social Disclosure. *Journal of Accounting and Public Policy*, 297-308. (in Persian)
- Petra, S. T., (2005). Do outside independent directors strengthen corporate boards? *Emerald Group Publishing Limited*, 55-64.
- Rouf, M. A., Al Harun, M. A. (2011). Ownership Structure and Voluntary Disclosure in Pak. *J. Commer. Soc. Sci*, 5 (1), 129-139.

- Said, R., Zainuddin, Y. & Haron, H. (2009). The relationship between corporate social responsibility disclosure and corporate governance characteristics in Malaysian public listed companies. *Social Responsibility Journal*, 5 (2): 212 – 226.
- Setayesh, M. & Kazemnejad, M. (2012). Identify and explain the factors affecting the quality of information disclosure of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Developments*, 31: 49-79. (in Persian)
- Short, H., Keasey, K. & Wright, M. (1998). Corporate Governance, Accountability and interprise. *Scholarly Research and Theory Papers*.

